

شهرها برای مردم، نه برای سوداگری

نظریه شهری انتقادی و حق به شهر

نیل برنر، پیتر مارنوزه و ماگیت مایر

ترجمه دکتر محمود عبدالله زاده

Brenner, Neil

برنر، نیل

شهرها برای مردم، نه برای سوداگری (نظریه شهری انتقادی و حق به شهر) / نیل برنر، پیتر مارکوزه و مارگیت مایر؛ ترجمه محمود عبداللهزاده - تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۹۶.
۳۸۶ ص... (شهرشناسی؛ ۱۴)

ISBN: 978-964-379-390-6

Cities for people, not for profit: critical urban theory and the right to the city, 2012. عنوان اصلی:

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا
۱. جامعه‌شناسی شهری. ۲. شهرنشینی. ۳. شهرسازی. الف. مارکوزه، پیتر، ۱۹۲۸- م. ب. مایر، مارگیت. ج. عبداللهزاده، محمود، ۱۳۲۸-، مترجم. د. دفتر پژوهشهای فرهنگی. ه. عنوان.
۳۰۷/۷۶ HT ۱۵۱/۰۹ ۱۳۹۶
کتابخانه ملی ایران
۴۶۷۳۴۵۴

ISBN: 978-964-379-390-6

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۹-۳۹۰-۶

• شهرها برای مردم، نه برای سوداگری: نظریه شهری انتقادی و حق به شهر
• نیل برنر، پیتر مارکوزه و مارگیت مایر
• ترجمه دکتر محمود عبداللهزاده

- Cities for People, Not for Profit: Critical Urban Theory and the Right to the City
- Edited by Neil Brenner, Peter Marcuse, and Margit Mayer
- Translated by Mahmoud Abdullahzadeh

• طراح جلد و صفحه راننده داورزنی
• شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه • چاپ اول: ۱۳۹۶

همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی دفتر پژوهشهای فرهنگی ممنوع است.



دفتر پژوهشهای فرهنگی

مراکز اصلی پخش و فروش:

- دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، کوچه باقری قصرالدشتی، شماره ۵. کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۹۱۳ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۶۹۱
- تلفن: ۸۸۳۱۳۳۶، ۸۸۳۱۵۲۳۷، ۸۸۳۰۲۴۸۵
- تلفن‌های فروش: ۸۸۴۹۴۶۱، ۹۳۵۲۴۷۹۸۴۷
- پست الکترونیک: lahze1386@gmail.com
- فروش الکترونیک: www.iranculturalstudies.com

- پخش مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش خیابان شهید وحید نظری، شماره ۲۵۵. تلفن: ۹۱۲۲۱۷۷۶۴۷، ۶۶۴۱۷۵۳۲ دورنگار: ۶۶۹۵۰۱۴۶

یادداشت

شهرنشینی پدیده‌ای است که از زمان‌های بسیار دور آغاز شده و در سده‌های اخیر شتابی بی‌سابقه گرفته است. امروزه سرعت شهرنشینی همراه با سرعت افزایش جمعیت به ویژه در کشورهای در حال توسعه بیش‌تر شده و همراه خود دشواری‌های تازه‌ای را برای جوامع پدید آورده است. از این‌رو در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها بحث شهر آینده یا شهر فردا و نیاز به تغییر و تحول واقعی مطرح شده است. خواسته‌های آیندگان اکنون بر دوش ما سنگینی می‌کند. جوامع مدرن امروزی به سرعت در حال تغییرند و نیاز مبرمی به توسعه راهبردی دارند. امروز به رهیافت‌هایی نیاز داریم که به توسعه پایدار شهرهایمان کمک کند و به ما اطمینان دهد که روش‌های تأمین نیازهای امروزمان، توانایی نسل‌های آینده را برای برآورده ساختن نیازهایمان بر سراسر نخواهند افکند.

امروز، بحران‌های مالی جهانی نتایج تغییر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی را به ضرورتی گریزناپذیر تبدیل ساخته است. لکنه توان تازه‌ای به مبارزات جنبش‌های اجتماعی شهری در جهت برقراری عدالت، جلوگیری از تخریب و پایداری شهری در نظام شهرنشینی بخشیده است. در حال حاضر جنبش‌های شهری فعال در سراسر جهان می‌کوشند تا انواع شهرنشینی سودمحور و سوداگرانه کنونی را با نوعی شهرگرایی دموکراتیک شهروندمدار و پایدار جایگزین سازند، با شهرهایی متعلق به شهروندی که مشارکت اثربخش در امور مدیریت شهری، حق به شهر، مسکن و حق انتخاب، و در برابر بی‌عدالتی شهری و آسیب‌رسانی به محیط زیست بی‌تفاوت نیستند.

دفتر پژوهش‌های فرهنگی با وقوف به اهمیت موضوع شهر و گروه شهرشناسی به این مقوله مهم پرداخته و امیدوار است با همکاری همه علاقه‌مندان، اندیشمندان بتواند پژوهش‌ها و کتاب‌هایی را درباره جنبه‌های گوناگون شهرها، که هدفش بالارادن سطح آگاهی شهروندان درباره مسئولیت‌های مدنی‌شان و تشویق آنان به مشارکت آگاهانه، مسئولانه و فعال با هدف ارتقاء کیفیت مادی و معنوی زندگی‌شان است، به انجام رسانده، منتشر کند.

دفتر پژوهش‌های فرهنگی

فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار مترجم
۲۳	نویسندگان
۲۷	فصل ۱. شهرها برای مردم، نه برای مودگیان
۲۷	مقدمه
۲۹	ضرورت نظریه شهری انتقادی
۳۲	شهرها در بحران: نظریه ... و عمل
۳۷	یادداشت‌ها
۳۸	منابع
۴۱	فصل ۲. نظریه شهری انتقادی چیست؟
۴۱	مقدمه
۴۳	نقد و نظریه اجتماعی انتقادی
۴۵	عناصر اصلی نظریه انتقادی: چهارگزاره
۵۰	نظریه انتقادی و مسئله شهرشدن
۵۴	منابع
۵۷	فصل ۳. حق (حقوق) چه کسی به چه شهری؟
۵۹	واقعیت امروز و تاریخ آن

۶۴	حق به شهر
۷۳	راه حل ها: نشان دادن، مطرح کردن، سیاسی کردن
۷۴	هدف حق به شهر؟
۷۷	یادداشت ها
۷۸	منابع

۸۱	فصل ۴. هائری لوفور، حق به شهر، و جریان غالب شهری جدید
۸۱	بحران شهری و حق به شهر
۸۴	شهرتینی کامل و خاص بودن امر شهری
۸۹	تولید فضای شهر
۹۴	جریان غالب شهری، پدید و کالایی شدن امر شهری
۹۹	امر شهری به منزله ارمان شهرتینی
۱۰۲	یادداشت ها
۱۰۳	منابع

۱۰۷	فصل ۵. «حق به شهر» در جنبش های اجتماعی شهری
۱۰۹	مراحل جنبش های شهری از بحران فوردیسم تا نئولیبرالیسم
۱۱۵	معانی متعدد «حق به شهر»
۱۲۵	حق جهانی به شهر؟
۱۳۰	یادداشت ها
۱۳۳	منابع

۱۳۷	فصل ۶. فضا و انقلاب در نظر و عمل: هشت نظریه
۱۳۷	نظریه ۱: فضا = سیاست
۱۳۹	نظریه ۲: مدرنیسم = برتون + کوربوزیه + لنین
۱۴۲	نظریه ۳: مدرن سازی = مدرنیسم - انقلاب
۱۴۵	نظریه ۴: امریکاییسم + فوردیسم = ضدانقلاب
۱۴۷	نظریه ۵: پست مدرنیسم = واکنش انقلابی
۱۴۹	نظریه ۶: نظریه شهری مارکسیستی = وصله ناجور سرمایه
۱۵۱	نظریه ۷: اقتصاد سیاسی شهری = سرمایه + شهر - سیاست

۱۵۳	نظریه ۸: انقلاب سوسیالیستی = انقلاب شهری
۱۵۵	یادداشت‌ها
۱۵۵	منابع
۱۵۹	فصل ۷. عمل شهرسازی و کمک‌های مطالعات توسعه انتقادی
۱۶۲	شهرسازی (برنامه‌ریزی)، امپریالیسم، جهانی شدن
۱۶۶	مقاومت و سیاست فرهنگی عامل
۱۷۱	فمینیسم فراملیتی، بازتابندگی انتقادی، همبستگی
۱۷۵	یادداشت‌ها
۱۷۵	منابع
۱۸۱	فصل ۸. گردهم‌آمدگی‌ها - کشگر - شبکه‌ها، و چالش‌های نظریه شهری انتقادی
۱۸۵	کشگر - شبکه‌ها، گردهم‌آمدگی‌ها، مسئله شهری
۱۹۰	شبح اقتصاد سیاسی
۱۹۵	هستی‌شناسی عین‌گرایی ساده
۱۹۸	واقعیت، امکان، و نقد
۲۰۰	بازگردآوری شهرگرایی گردهم‌آمدگی؟
۲۰۳	یادداشت‌ها
۲۰۴	منابع
۲۰۹	فصل ۹. ایدئولوژی رشد شهری جدید «شهرهای خلاق»
۲۱۰	به‌سوی ساخت‌شکنی «طبقه خلاق»
۲۱۴	شهرهای خلاق: «فقیر ولی جذاب»؟
۲۲۱	نتیجه‌گیری
۲۲۲	منابع
۲۲۵	فصل ۱۰. نظریه انتقادی و «فضای خاکستری»: جنبش استعمارشدگان
۲۲۹	«فضای خاکستری»
۲۳۰	«فضاسازی خاکستری» اعراب بدوی
۲۳۳	استعمارگری شهری و «نظریه شهری انتقادی جدید»

۲۳۸	بنیادستیزی و اعراب بدوی
۲۴۳	سیاست مستقل
۲۴۵	نتیجه‌گیری
۲۴۶	یادداشت‌ها
۲۴۷	منابع

۲۵۱	فصل ۱۱. مارکوزه گمشده: در باب نوسازی (برای طبقه مرفه) و جابه‌جایی
۲۵۴	تفصیل‌رگ ان است
۲۵۹	انوار ری کار بسیار خوبی است»
۲۶۸	مارکوزه گمشده: تشریح نوسازی و جابه‌جایی
۲۷۳	نتیجه‌گیری: در باب نوسازی
۲۷۷	یادداشت‌ها
۲۸۰	منابع

۲۸۵	فصل ۱۲. آیا وجود شهر عادل و جمعیت ارشد مبارزه برای حق به شهر در آمستردام
۲۸۷	شهر عادل و آمستردام
۲۹۱	برتری شهر عادل
۲۹۶	بازکالایی‌سازی و رهاسازی
۳۰۳	نتیجه‌گیری: فقط یک شهر خوب
۳۰۵	یادداشت‌ها
۳۰۶	منابع

۳۰۹	فصل ۱۳. رویکرد انتقادی به حل مسئله مسکن
۳۱۰	بحث
۳۱۱	ماهیت بحران مسکن
۳۱۳	سه ستون بحران وام مسکن درجه دو
۳۱۸	بدیل‌های مهم: اصلاحات سطحی و اصلاحات غیرتحول‌گرا
۳۲۳	نتیجه‌گیری: رویکردی انتقادی به مسکن
۳۲۵	یادداشت‌ها
۳۲۶	منابع

فصل ۱۴. شهرهای سوسیالیستی، برای مردم یا برای قدرت؟ گفت‌وگوی برونو فلییرل

۳۲۹	با پتر مارکوزه
۳۳۰	جستارگشایی پتر مارکوزه
۳۳۲	پاسخ برونو فلییرل
۳۳۴	گفت‌وگو
۳۵۰	یادداشت
۳۵۱	منابع

فصل ۱۵. حق به شمر: از نظریه تا اتحاد توده مردم

۳۵۴	تغییر ترکیب طبقه کارگر
۳۵۶	بازتولید اجتماعی: جنسیت، ادغام بازار و یک کنشگر تاریخی جدید
۳۵۹	سازماندهی در دوران تولید: عمل‌گرایی در سازماندهی اتحادیه‌ها و محله
۳۶۰	سازمان‌های طبقه جدید: پیدایش، عملکرد و نقد
۳۶۳	حق به شهر: خودسنجیدن بیشتر به عنوان یک جنبش شهری
۳۶۵	دولت: لحظه‌ای جدید؟
۳۶۷	رویکردهای سازماندهی جدید
۳۷۰	منابع

فصل ۱۶. چه باید کرد؟ و چه کسی این کار را انجام خواهد داد؟

۳۷۳	مبارزه طبقاتی از کارخانه تا شهر
۳۷۷	گرایش‌های بحرانی، افزایش اهمیت بخش‌های مالی و ثولیرال ماری
۳۸۲	لحظه کینزی و پیوند دولت - سرمایه مالی
۳۸۴	حرکت مارپیچی مخالفت و جنبش
۳۸۶	یادداشت
۳۸۶	منابع

پیشگفتار مترجم

حق به شهر چیست؟

در سال‌های اخیر شعار حق به شهر به منزله فراخوانی برای اقدام اجتماعی و مبارزه بر ضد فرایندهای تبعیض‌آمیز جهانی‌شدن پایدار، بحثیدن به کالایی‌سازی و خصوصی‌سازی فضای شهری الهام‌بخش جنبش‌های اجتماعی جهانی، اصلاحات قانونی بنیادین در امریکای لاتین و مبارزات محلی بر ضد فقر شهری بوده است. امروز مفهوم حق به شهر وارد گفتمان‌های دانشگاهی شده و سازمان‌های بین‌المللی نظیر یونسکو و کمیته ملل متحد مشترکاً پروژه‌ای پژوهشی با عنوان سیاست‌های شهری و حق به شهر را آغاز کرده‌اند که هدفش رسیدن به اهداف توسعه هزاره ملل متحد و کاهش فقر شهری از طریق قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری و کسب مشارکت زنان، جوانان، و مهاجران در مدیریت شهری، و در واقع پروژه‌ای با هدف سیاست‌زدایی از مفهوم حق به شهر است که اساساً مفهومی را بکار برای تغییر نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاضر می‌باشد، یعنی نظامی که در اصل پادآورنده نهاد‌های موجود و سازمان‌های بین‌المللی نظیر ملل متحد است.

اما به‌رغم استقبال فراگیر از این مفهوم و شعار، محتوای آن بسیار انتزاعی، مبهم و فاقد چارچوبی کاربردی است و در اجرا با چالش‌های زیادی روبه‌رو است. برای مثال مارکوزه در مقاله‌اش (در کتاب پیش رو) می‌پرسد «معنی حق به شهر چیست؟ درباره حقوق چه کسی صحبت می‌کنیم؟ منظورمان کدام حق است؟». ظاهراً به اندازه کافی نوشته‌هایی وجود ندارند که حق به شهر را مفهوم‌سازی کنند و توضیح دهند که این عبارت از چه حقوقی حمایت می‌کند. بدیهی است که یک چارچوب مفهومی بهتر، می‌تواند شناسایی حقوق مردم در شهرها

و محدودیت حق به شهر را در محیط واقعی امکان‌پذیر سازد.

پیدایش ایده حق به شهر ظاهراً به بیش از چهل سال پیش بازمی‌گردد، زمانی که هانری لوفور فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی در کتابی با همان عنوان *Le Droit à la ville* در ۱۹۶۸ آن را مطرح کرد. تظاهرات خشن خیابانی در اوایل ۱۹۶۸ در پاریس که از خیزش اعتراضی دانشجویان دانشگاه سوربن و دانشگاه پاریس (نانترو) نشئت گرفته بود به دلیل سرکوب شدید پلیس به اعتراض سراسری مردم در شهرهای فرانسه تبدیل شد و در اوایل مه ۱۹۶۸ آشوب‌های خیابانی به کارتیه لاتن پاریس و سایر شهرها گسترش یافت. در ۱۳ مه ۱۹۶۸ اتحادیه‌های کارگری اعلام اعتصاب عمومی کردند که نزدیک به ۱۰ میلیون کارگر یا تقریباً دوسوم نیروی کار در آن شرکت جستند. در اواخر مه ژنرال دوگل، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، مجبور شد برگزاری انتخابات جدیدی را اعلام کند و اعتصاب پایان یافت. در این میان انتشار کتاب سر به شهر لوفور که اندکی قبل از این رویدادها چاپ شده بود به یک آرمان‌پرورنده تبدیل شد و گفت‌وگوهای بنیادستیز جدیدی را به وجود آورد که ساختارهای اجتماعی و سیاسی در حال شکست را زیر سؤال می‌برد. تحلیل لوفور مبتنی بر تضاد بین انهدام شهر و رشد برنامه‌ریزی رشد شهری بود. او همانند مارکس شهر را مکانی می‌دانست که در آن ارزش استفاده و ارزش مبادله در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، و می‌گفت که شهرستی کانون زندگی اجتماعی و سیاسی، ثروت، دانش و هنرها، به عبارت دیگر یک تولید خلاق فضایی و اجتماعی از روابط انسانی، یعنی یک اثر خلاق (Oeuvre) است، ولی با شدت توسعه سرمایه‌داری، فرایند صنعتی شدن و جنبه تجاری پیدا کردن فضاهای کار ارزش استفاده شهرها به عنوان مراکز زندگی فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی تقلیل یافته و در مقابل ارزش مبادله و کالایی شدن اموال شهری پدید آمده است.

همان‌طور که در سطور پیشین اشاره شد مفهوم حق به شهر لوفور بسیار مبهم است و به گفته آتو (۲۰۱۱) اگرچه بسیاری از محققان پیشرو مفهوم حق به شهر را در نوشته‌هایشان به کار برده‌اند ولی این که منظور آنها از حقوق چیست کاملاً بررسی نشده است، و واژه حقوق در این نوشته‌ها هنوز به منزله یک «جعبه اسرارآمیز» می‌باشد. اما پرسل (۲۰۰۳) می‌نویسد که تعداد اندکی از محققان به دقت آثار لوفور را مطالعه یا به طور جدی پیامدهای مفهوم حق به شهر لوفور و این مسئله را که چگونه این مفهوم می‌تواند شالوده نوع جدیدی از شهروندی را فراهم کند که بتواند دیدگاه نئولیبرالی را به پرسش بگیرد، بررسی کرده‌اند. ولی به رغم نظرات متفاوتی که درباره مفهوم حق به شهر لوفور بیان شده‌اند می‌توان از طریق خوانش تحلیلی آثار لوفور درباره شهر و حق به شهر به یک ساختار مفهومی از حق به شهر دست یافت، با این حال فهمیدن نوشته‌های لوفور و شناسایی حقوقی که او در نظریه‌اش درباره حق به شهر

مطرح می‌کند کار بسیار دشواری است.

یک حق را می‌توان به‌عنوان یک امتیاز یا مطالبه‌ای که شخص به‌درستی نسبت به آن ذی‌حق است تعریف کرد یا آن را به گفته کلودافسکی و بلوملی (۲۰۰۹) این چنین توضیح داد: «محروم شدن از یک حق قرارگرفتن در موضعی آسیب‌پذیر است، تن در دادن به حقوقی است که دیگران مطالبه می‌کنند... در جوامع لیبرالی حقوق به لحاظ نظری برای همگان است و در مورد همه به‌طور مساوی اعمال می‌شود. اما در زندگی واقعی، مردم درباره حقوق در مواضع مختلفی قرار گرفته‌اند».

لوفور در نوشته‌هایش از حقوق متعددی نام می‌برد، اما این حقوق گاهی به لحاظ محتوا و ارزش‌ها عین هم هستند. بنابراین، با ادغام بعضی از این حقوق می‌توان حقوقی را مشخص کرد که از نظر محتوا دارای مفهومی مستقل باشند و یک ساختار مفهومی از حق به شهر به‌عنوان حقی متشکل از حقوق مشخص و در هم تنیده به این شرح را ارائه کرد:

حق تصرف، حق دست‌نبرد مردم به فضاهای فرهنگی، فضایی و اجتماعی حق اشغال و استفاده از آنها و حق تولید آنها است. لوفور در حمایت از حق تصرف فضای شهری به مالکیت خصوصی اشاره نمی‌کند. بلکه متناظرش حق ساکنان شهر برای استفاده تمام و کمال از فضای شهری در زندگی روزمره‌شان است. بنابراین حق تصرف فضای شهری شامل حق زندگی کردن، تفریح کردن، کارکردن، بازنمایی کردن، توصیف کردن، و اشغال کردن فضای شهری در یک شهر خاص است.

حق مشارکت به مردم امکان می‌دهد که در همه تصمیم‌گیری‌هایی که به تولید فضای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی منجر می‌شوند دخالت کنند. در نتیجه، این حق شامل حق به اطلاعات درباره آنچه قرار است تولید شود یا تولید شده است و حق به یک کار و اثر خلاق، یعنی تلاشی که همه شهروندان در آن مشارکت دارند، می‌شود. لوفور (۱۹۹۶) می‌نویسد:

دویست سال طول کشید تا حقوق شهروند به حق بیان عقیده و حق رأی‌دادن تغییر پیدا کرد. اما، حقوق شهروندی باید هدفش ایجاد یک زندگی اجتماعی متفاوت، یک دموکراسی مستقیم‌تر، و یک جامعه مدنی مبتنی نه بر یک فضای انتزاعی بلکه بر فضا و زمانی که در آن زندگی می‌کنند باشد.

حق به مرکزیت (حق دسترسی به مرکز شهر) حقی است که لوفور (۱۹۹۶) آن را این چنین توصیف می‌کند:

حق به شهر، که با حق به تفاوت و حق به اطلاعات کامل شده است، باید حقوق شهروند را در

مقام یک ساکن شهر و استفاده‌کننده از خدمات متعدد بهبود بخشد، فعلیت دهد و عملی‌تر سازد. این کار، از یک طرف، حقوق استفاده‌کنندگان برای شناساندن ایده‌هایشان درباره فضا و زمان فعالیت‌هایشان در حوزه شهری را تصریح خواهد کرد، و از طرف دیگر شامل حق استفاده از مرکز، مکانی ممتاز، خواهد بود، به جای پراکنده و گرفتار بودن در حلیی‌آبادها (برای «کارگران، مهاجران، محرومان» و حتی برای «ثروتمندان»).

حق دسترسی به مرکز شهر دستیابی به قدرت، استفاده از فضاهای انتزاعی و انضمامی و مکانی مرکزی و پیرامونی، و مشارکت مؤثر مردم را تضمین می‌کند. بنابراین، این حق شامل حق استفاده از فضاهای شهری، از جمله فضاهای ممتاز می‌شود. در نتیجه به قول پرسل (۲۰۰۳) اساس «حقوق مرکزی» شامل حق داشتن نقشی مهم در تصمیم‌گیری و کلاً حق اشغال مناطق مرکزی شهر زندگی کردن در آنها و شکل دادن به آنها می‌شود. مارچل و استیپی (۲۰۱۱) می‌گویند که لوفور با طرح ساختن مفهوم مرکزیت می‌خواست به دوگانگی مرکز/پیرامون که از اختلاف حق/بیر حدا نیست پایان بخشد و بنابراین حق به مرکزیت حق به معاشرت و گردهمایی، حق به زندگی کردن، تطبیق دادن خویش با محیط پیرامونی، حق آنچه شخص می‌خواهد با فضای زندگی خود انجام دهد، نیاز به سرخوشی، حضور داشتن در فضاها و تعریف کردن آنها را مغایر با آنچه سیاستمداران و برنامه‌ریزان شهری مقرر کرده‌اند، احیا می‌کند.

حق زندگی کردن در شهر یا حق شهروندی شهری، یکی دیگر از حقوقی است که می‌توان آن را از میان نوشته‌های لوفور استنباط کرد. لوفور (۱۹۹۶) می‌نویسد شهر «منافع... کل جامعه و در درجه اول منافع همه کسانی را که در آن زندگی می‌کنند» در خود جمع می‌کند. بنابراین، همه افرادی که در شهر زندگی می‌کنند باید برخوردار از حق به شهر باشند. حق افراد و اجتماعات برای زندگی کردن در شهر، به قول دان میچل (۲۰۰۳)، حق «مهاجران خارجی» و مهاجران را پایمال نمی‌کند. کیملیکا و نورمن (۱۹۹۴) می‌گویند که شهروندی شامل حقوق، وظایف و عضویت در یک اجتماع سیاسی مشخص است.

حق به محل زندگی را می‌توان در نوشته لوفور (۱۹۹۶) به سهولت یافت. او می‌نویسد که در حق به شهر به حق به محل زندگی و حق زندگی کردن در شهر اشاره شده است. حق به محل زندگی بیانگر یکی از مهم‌ترین حقوق اجتماعی-اقتصادی افراد و خانواده‌هایشان است و در واقع حق داشتن مسکن است. یکی از جنبه‌های اعتراض‌های شهری و اجتماعی امروزی در سراسر جهان مطالبه حق مسکن مناسب است. این حق شامل حق داشتن ایمنی، محیط زیست پاک و حفاظت شده، عدالت محیطی، آب سالم، و زیرساخت‌های ابتدایی است.

حق تفرّد در جامعه‌پذیری نخستین حقی است که مشخصاً برای افراد است و نه برای «مردم» یا یک «طبقه» خاص. این حق شامل حق به آزادی و حق به تفاوت است. دان میچل (۲۰۰۳) می‌نویسد: «شهر جایی است که تفاوت در آن واقعیت دارد».

حق به شهر اساساً یک مطالبه اخلاقی مبتنی بر اصول بنیادی عدالت است و همان‌طور که مارکوزه در کتاب پیش رو می‌گوید این حق متشکل از حقوق متعددی است که رابطه نابرابر و تحریف‌شده بین دولت و شهر را زیر سؤال می‌برد، و به بحران شهری می‌پردازد و تلاش می‌کند ساختار آن را دگرگون کند. حق به شهر به سلطه دولت و نهادهای آن بر تولید فضاهای شهری اعتراض می‌کند و این وظیفه را از جمله وظایف و حق نهادهای محلی می‌داند. اما از سیانه دهه ۱۹۸۰، فراخوان حق به شهر، با مبارزه شهرنشینان در برابر تضعیف مداوم حقوقشان در شهر، موجب پیدایش مجموعه مطالباتی شده است. این مطالبات عمدتاً از مطالبات دو گروه سیانست گرفته‌اند، یکی محرومان که تلاش می‌کنند به حقوق اولیه خود یعنی حق مسکن، آب، الم و معیشت قابل اعتماد دست یابند، و دیگری جنبش‌های ضدجهانی‌شدن و عدالت جهانی که به نظام اقتصادی غالب اعتراض دارند. در نتیجه در سال‌های اخیر شاهد ظهور جنبش‌های اجتماعی محلی و جهانی، اتحادیهایی از حکومت‌های شهری و سازمان‌های چندملیتی و سازمان‌های شهری هستیم که حق به شهر را به‌عنوان شعار برای تجدید نظر در قرارداد اجتماعی بین دولت و شهر به‌کار می‌برند.

منشور جهانی حق به شهر یکی از مؤثرترین اقدامات اجتماعی در سطح جهانی است. این منشور محصول گفت‌وگوهای متعددی در دهه ۱۹۸۰، با مشارکت فعالان حقوق بشر، طرفداران محیط زیست و گروه‌های دیگر در کنفرانس زمین ریو در ۱۹۹۲ و گردهمایی برنامه سکونتگاه‌های انسانی ملل متحد (هیئت ۲) در استانبول در ۱۹۹۶ است. این منشور را گردهمایی اجتماعی جهانی (World Social Forum) در ۲۰۰۴ پذیرفت. گردهمایی اجتماعی جهانی، مجمعی سالانه از سازمان‌های جامعه مدنی است، که برای نخستین بار در پورتو آئزیره در برزیل در ۲۰۰۱ برگزار شد. این گردهمایی می‌کوشد از طریق حمایت از جهانی‌شدن ضدهژمونیک آینده‌ای متفاوت برای جوامع شهری ارائه کند. هدف گردهمایی اجتماعی جهانی اخیر در اوت ۲۰۱۶ در مونترال کانادا گردآوردن ده‌ها هزار نفر از گروه‌های جامعه مدنی، سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی بود که خواهان ایجاد جهانی پایدار و فراگیر بودند که در آن هر فردی جایگاه خودش را داشته باشد و بتواند صدایش را به گوش همه برساند.

منشور جهانی حق به شهر بسیاری از ایده‌های مرتبط با دیدگاه لوفور را دربرمی‌گیرد، و حق به شهر را به‌منزله یک حق جمعی تلقی می‌کند، و بر ضرورت شناسایی کارکرد اجتماعی املاک و مستغلات اصرار می‌ورزد. سازمان‌های بین‌المللی نظام سرمایه‌داری کنونی به‌خاطر

دو مورد مهم و بحث‌برانگیز این منشور یعنی تعریف موسع از «شهروند»، «همه افرادی که به‌طور دائم یا موقت در شهر زندگی می‌کنند» (WSF, ۲۰۰۴)، و ایجاد کارکرد اجتماعی املاک، هنوز به‌طور جدی به آن نپرداخته‌اند. البته چندین ابتکار عمل بین‌المللی در چارچوب ائتلاف‌های جهانی حکومت‌های محلی و سازمان‌های چندجانبه فضایی را برای این بحث گشوده‌اند، اما بسیاری از آنها در چارچوب ایده‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ ملل متحد عمل می‌کنند. یکی از نتایج این گفت‌وگوها تدوین منشور اروپایی حراست از حقوق بشر در شهر در دومین کنفرانس اروپایی درباره شهرها برای حقوق بشر در مه ۲۰۰۰ با حضور مقامات محلی بوده است. اگرچه این منشور هیچ جایگاه قانونی ندارد ولی تأکید می‌کند که شهرنوی‌ها موظفند کیفیت زندگی مناسبی را برای ساکنان شهر فراهم کنند. چندین منشور و برنامه شهری دیگر ماکون تدوین شده‌اند که از میان آنها پروژه مشترک یونسکو و هیئت که پیش‌تر ذکر شد، مستقیماً به حق به شهر می‌پردازد.

اما در سطح محلی نیز در اغلب کشورهای جهان بسیاری از جنبش‌های اجتماعی مبارزاتی را مبتنی بر حق به شهر در چهار دهه از دهه ۱۹۶۰ به بعد انجام داده‌اند. در دهه ۱۹۷۰ مبارزات حول مسئله مسکن، اعتصابات مربوط به اجاره‌بها (امتناع از پرداخت اجاره‌بها به مالکان) و اعتراضاتی بر ضد نوسازی شهری به دهه ۱۹۸۰ شاهد واکنش‌هایی به سیاست‌های ریاضتی و نئولیبرالیسم بودیم. در دهه ۱۹۹۰ اعتراض‌ها روی برنامه‌های حکومتی «توسعه اقتصادی محلی» متمرکز بود، و از دهه ۲۰۰۰ به بعد مبارزاتی جهانی بر علیه ادغام بازارهای مالی و مستغلات، و بر ضد تشدید تضاد اجتماعی بین ثروتمندان و فقرا شکل گرفته‌اند. برای مثال، سیاسی شدن روزافزون مسئله زباله جمع‌کن‌ها در برزیل، ایجاد گردهمایی پسماند ملی و شهروندی، به‌عنوان ابزاری برای تقویت روش‌های مشارکت برای مدیریت پسماند شهری انجامید. هدف این گردهمایی از میان بردن کار کودکان در گردآوری زباله، حذف گورستان‌های کنترل‌نشده زباله، و کسب شناسایی حقوق زباله‌جمع‌کنان به‌عنوان ارائه‌کنندگان قانونی خدمات شهری است. از طرف دیگر برزیل تنها کشوری است که حق به شهر را زیر عنوان قانون شهری در ۲۰۰۱ رسماً به تصویب پارلمان رساند. این قانون بر سه اصل مهم مبتنی است:

۱. مفهوم کارکرد اجتماعی املاک
۲. توزیع عادلانه هزینه‌ها و مزایای شهرنشینی
۳. مدیریت دموکراتیک شهر

طبق این قانون وزارت شهرها تأسیس گردید و یک منشور ملی برای اجرای این قانون

در ۲۰۰۲ تصویب شد.

و اما کتاب پیش رو، شهرها برای مردم، نه برای سوداگری، با تغییراتی در مقاله‌ها و ویراست جدید، تجدید چاپ شماره ویژه سال ۲۰۰۹ مجله معتبر سیتی^۱ است که همان عنوان را یدک می‌کشد. این شماره ویژه حاوی مجموعه مقالاتی بود که در کنفرانسی در برلین به مناسبت هشتادمین سال تولد پیتر مارکوزه حقوقدان و برنامه‌ریز شهری برجسته آلمانی - آمریکایی و فرزند فیلسوف مشهور هربرت مارکوزه، و به‌خاطر نوشته‌های تند و صریح روشنفکرانه و سیاسی بسیار زیاد او در زمینه نظریه شهری و مبارزاتش برای شهری عادل در طول حیات شغلی طولانی‌اش، ارائه شده بودند. این کتاب همانند شماره ویژه سیتی کم‌تر مبتنی بر شعار و مطالبه حق به شهر لوفور است و بیش‌تر به دیدگاه‌های مارکوزه در این زمینه می‌پردازد. دو عامل مهم تشکیل‌دهنده زیربنای کار و دیدگاه مارکوزه هستند، یکی انزجار شدید از بازار و سرمایه‌داری امروزی، و دیگری عملگرایی عمیق او، به این معنی که در حال حاضر، حتی آنان انجام داد تا اوضاع بهتر شود و در ضمن شرایطی را برای امکان اصلاحات ساختاری فراهم می‌دهد، ایده‌ای ایجاد کرد. از نظر مارکوزه «انتقادی» به معنای یک نگرش موشکافانه نسبت به واقعیت، یک نگرش پرسشگر به جهان است و نه پذیرش آن. این دیدگاه نه فقط به موضعی می‌انجامد که زاماً انتقادی به معنای انتقاد منفی است بلکه با نکته‌سنجی امر مثبت و امکان تغییر را نیز نشان می‌دهد. به عبارت دیگر دربرگیرنده ایده‌هایی درباره مسائلی است که نادرست هستند و باید تغییر کنند، و نیز درباره اموری است که درست هستند و باید مبنای کار قرار گیرند و تقویت شوند. در دیدگاه مارکوزه، انتقادی بودن عملگرا بودن است، و نظریه شهری انتقادی تحلیلی است که در تریه عمل در ایجاد امکانات بالقوه جامعه شهری موجود نشئت می‌گیرد، و هدف نظریه انتقادی نشان دادن و شکل‌بخشیدن به مسیر آینده چنین عملی است.

این کتاب الگویی است برای چنین نظریه شهری انتقادی و نیز تحلیلی و عملگرا از شهر امروزی به‌منظور نشان دادن «راه‌های آینده» به‌سوی حقوق نعمت‌نایر به شهر و جهان‌های شهری عادلانه‌تر. شهرها برای مردم، نه برای سوداگری مشتمل بر ۱۶ فصل است که تقریباً می‌توان آن را بر سه بخش تقسیم کرد. بخش اول به تحلیلی از ریشه‌ها و توسعه نظریه شهری انتقادی اختصاص دارد. در فصل مقدمه، نیل پرنر به تعریف نظریه شهری انتقادی می‌پردازد و شالوده فهم مقالات بعدی را پی می‌ریزد. پرنر به شکلی بسیار قابل فهم و فشرده آثار نویسندگان مکتب فرانکفورت، مارکس، انگلس و هربرت مارکوزه را، که مفاهیمشان درباره شهرها متفاوت از مطالعات شهری متعارف است، بیان می‌کند. در سه فصل

بعدی به ترتیب به قلم پیتر مارکوزه، کریستیان اشمیت و مارگیت مایر، حق به شهر به عنوان یک مفهوم به طور جامع بحث می شود. مارکوزه اشاره می کند که حق به شهر درباره چه چیزی است، چه کسی آن را دارد و چه گروه هایی آن را ندارند و چگونه این مفهوم در طول زمان تغییر کرده است. به علاوه، اشمیت نظریه های هانری لوفور را بحث و خیلی کوتاه به مفاهیم متعارف جدید شهری اشاره می کند، با این حال تفاسیر او از دیدگاه های لوفور چندان تازگی ندارند. مایر توسعه مفهوم حق به شهر را در جنبش های اجتماعی شهری طی دهه های گذشته و تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی را بر این جنبش ها توضیح می دهد، و بدین شکل بخش اول کتاب پایان می یابد. این بخش از کتاب برای تازه واردها به موضوع مطالعات شهری انتقادی پایه بسیار کاملی را برای فهمیدن نظریه های لوفور، مکتب فرانکفورت و دیگران فراهم می کند.

بخش دوم از کتاب به فصل هایی درباره نظریه و عمل اختصاص دارد. ابتدا گوناردنا موشکافانه «فضا و عمل» را از طریق بررسی هشت نظریه از متفکران انتقادی برجسته تحلیل می کند، و در فصل بعدی برنر و دیگران و اشمیت دیدگاه های شان را درباره نقش نظریه شهری انتقادی در برنامه یزی و در نظریه بازیگر- شبکه بیان می کنند. مقاله بعدی به مسئله مسکن، نوسازی و رهنبردها می پردازد. سوسی شهری مرتبط برای جذب سرمایه جهانی به مناطق شهری می پردازد. کراکه در مقاله اش نقد اصلی از اثر ریچارد فلوریدا درباره طبقه خلاق را به طور خلاصه شرح می دهد و به عران نمونه از مورد برلین برای این بحث ها استفاده می کند، و می گوید مفهوم طبقه خلاق موقعیت نخبگان را تقویت و بی عدالتی اجتماعی نظیر نوسازی برای طبقه مرفه را بازتولید کرده است. سپس او بحث ییفتاچل به بحث نظریه انتقادی و فضای خاکستری و اوضاع روستاهای به رسمیت شناخته نشده اعراب بدوی در بنرالسبع می پردازد. در فصل بعدی، تام اسلیتر به آن گروه از محققان، عالمان شهری که می کوشند از نوسازی برای طبقه مرفه سیاست زدایی کنند و آن را فرایندی بسته بنگرند پاسخ می دهد. اوترمارک در مقاله اش وضع مسکن در آمستردام را بررسی، و متعاقب آن پیتر مارکوزه بحران کنونی مسکن را تحلیل می کند. بدین ترتیب مقالات کراکه، ییفتاچل، اسلیتر، اوترمارک و مارکوزه مجموعه فصل هایی را درباره مسکن، عدالت (بی عدالتی) اجتماعی، نوسازی و تأمین مسکن اجتماعی تشکیل می دهند که هر یک مکمل دیگری است و مجموعاً یک دیدگاه کل نگرانه درباره مسئله مسکن در چارچوب نظریه شهری انتقادی ارائه می کنند.

بخش سوم کتاب به چگونگی اجرای حق به شهر در عمل می پردازد. لِس به نحوه پیدایش جنبش های شهری در تاریخ، و نحوه شکل گیری آنها در سال های اخیر و به رویکردهایی که می توانند بر بحران های اقتصادی، سیاسی، و محیط زیستی امروز غلبه کنند اشاره می کند.

سرانجام دیوید هاروی می‌کوشد به پرسش «چه باید کرد؟» و «چه کسی آن را انجام خواهد داد؟» پاسخ دهد.

این کتاب یک روزآمدسازی بهنگام برای نظریه‌ای بسیار مهم در مطالعات شهری است. امروز، نظریه شهری انتقادی کاربرد فراوانی برای توضیح و تحلیل بحران‌های مالی جهانی و شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان دارد.

برای مطالعه بیش‌تر:

دیوید، اسوالد. (۱۳۸۳). *افسانه توسعه: اقتصادهای ناکارآمد قرن بیست و یکم*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: اختران.

هاروی، دیوید (۱۳۸۶). *تاریخ مختصر نئولیبرالیسم*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: اختران.
کاپوراسو، جیمز ای.؛ لوس، دیوید. (۱۳۶۷). *نظریه‌های اقتصاد سیاسی*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: ثالث.

العطاس، سید فرید (۱۳۹۱). *کتابخانه‌های گزین در علوم اجتماعی آسیا: واکنش‌ها به اروپامحوری*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
پائولی، گونتر (۱۳۹۱). *اقتصاد آبی*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
لوفور، هانری (۱۳۹۱). *تولید فضا*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

پلتون، جوزف ان؛ سینگ، ایندو بی. (۱۳۹۲). *شهرهای آینده: طراحی شهرهای بهتر، هوشمندتر و امن‌تر*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

لندری، چارلز (۱۳۹۴). *شهر خلاق*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
کرنک، مایک؛ نایجل، ثریفت (۱۳۹۴). *اندیشیدن درباره فضا*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

برنر، ان. و دیگران (۱۳۹۶). *شهرها برای مردم، نه برای سوداگری: نظریه شهری انتقادی و حق به شهر*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.

Angotti, T. (2009). Right to the city vs Bridging the urban divide. *The Urban Reinventors Journal*, 3.

Attoh, A.K. (2011). What kind of right is the right to the city? *Progress in Human Geography*, 35(5).

Busa, A. (2009). The Right to the city : The entitled and the excluded. *The Urban Reinventors Journal*, 3.

Butler, Ch. (2012). Henri Lefebvre: Spatial Politics, Everyday Life, and the Right to the